

## اکنون چه کنیم؟

بازرگان موفق بود که کالاها و وسائل تزئینی و گران‌بهای بسیاری داشت. یک‌روز که از مسافرت بازگشت، متوجه شد خانه و مغازه‌اش در نبود او آتش گرفته و سوخته است. در این حادثه، تمامی دار و ندار مرد بازرگان سوخت و خاکستر شد و خسارت هنگفتی به او وارد آمد.

فکر می‌کنید آن مرد چه کرد؟ خدا را مقصر شمرد و ملامت کرد یا اشک ریخت؟

او با لبخندی بر لبان و نوری در دیدگان، سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! می‌خواهی که اکنون چه کنم؟»

مرد تاجر پس از نابودی کسب پررونق خود، تابلویی بر ویرانه‌ی خانه و مغازه‌اش آویخت: «مغازه‌ام سوخت، خانه‌ام سوخت، کالاهایم سوخت، اما ایمانم نسوخته است! از فردا شروع به کار خواهم کرد!» این نمونه‌ی انسانی است که شیوه‌ی رویارویی صحیح با کشمکش‌های زندگی را در رنج‌ها و دشواری‌ها آموخته است.



منبع: «در پناه او» «جی.پی. واسوانی»

تهیه و گردآوری: پریسا محبوب



درحقیقت، پدر آنان، یک فرد فقیر و معتاد بود.

اولی با مقصر دانستن پدر و سرزنش خود و دیگران، پازل پدر را تکرار کرد.

ولی دومی با اراده‌ی خود و عدم مقصر دانستن فردی، پازل منحصر به فرد خود را نقش بست.

آدمی، زندگی پیش ساخته نیست. این تو هستی که با چیدن به موقع قطعه‌های پازل، زندگی هدفمند خود را نقش می‌بندی و از وقایع و بحران‌های زندگی، جرأت، شهامت، صبوری و پذیرش را می‌آموزی.

دکتر حمیدرضا ترابی

متخصص بیماری‌های مغز و اعصاب